

کالفرنیا 21/02/2008

نویسنده: محمد معصوم مشایع

زیر کاسه نیمکاسه

بمجردیکه وزیر فرهنگ در کابینه کرزی امر کسر معاش دو خیر نگار را صادر کرد که به جای کلمات پوهنتون، پوحنزی و زده کونکی کلمات دانشگاه، دانشکده و دانشجو را بکار برده بودند. فغان همه از استاد دانشگاه تا سخنور بی همتا بلند میشود؛ چه رسد به خرد و کوچک هایکه با نام های مستعار و با دهن گشاده هر یاوه و ناسزای که به دهن شان میاید را بی دریغ نثار دشمن خیالی خود میسازند.

از همه زیادتیر اگر به سایت های خاوران و سرنوشت مراجعه کنی تقریباً تمام محتوایات سایت را همین مسله بی اهمیت و سطحی تشکیل میدهد. یکی وزیر اطلاعات را دشنام داده یکی به تمام کابینه کرزی بهتان میزند، یکی کریم خرم وزیر اطلاعات و فرهنگ را فایشست و قبيله پرست میخواند و خلاصه آنچه که ناگفته مانده است را میگویند. بیاید با یک قضاوت بیطرفانه موضوع را به بررسی بگذاریم:

1 - اینکه دانشگاه، دانشکده و دانش آموزاژه های فارسی دری اند هیچ شکی نیست. اما مشکلی که درین میان وجود دارد اینست که تقریباً از زمان پیدایش نخستین دانشگاه در کابل این مرکز علمی و فرهنگی به نام پوهنتون یاد شده و به جای دانشکده کلمه فاکولته یا پوهنزی استعمال میشود و من در طول چهار سال دوران پوهنتون ام نشنیدم که کسی آنرا دانشگاه بگوید. همچنانکه کلمات دانشکده را همه به نام پوهنزی و یا فاکولته و کلمه دانش آموز را محصل و یا متعلم خطاب میکردند. این روند تا حال میان مردم ما با همان قوت اش ادامه دارد و غیر از تعدادی از روشنفکران مربوط به جریاناتی که حتی زبان را هم سیاسی ساخته اند عوام ما در تمام ولایات کشور با همان کلمات پوهنتون، فاکولته (فالكوته) و محصل و متعلم ادامه میدهند.

2 - اصطلاحات زیادی در زبان ما تا قبل از هجوم امریکا و شرکای آن موجود است که در ایران و یا در زبان به اصطلاح عده ای روشنفکران ما بیگانه است به زودی نمیشود به زبان مردم رواج داد. اینها بر علاوه پوهنتون، پوهنزی یا فاکولته طور مثال ولسوال، ولسوالی و شاروالی، سارنوال، سارنوالی و ستر محکمه است که بدون بدیل فارسی دری در زبان مردم ما شامل شده است. بنا بر آن پایفشاری روی دو کلمه اضافه تر از موضوع زبان سیاست کردن است.

3 - درست در زمانی که چنین یک مسله در دستور و برنامه های مخالفین دولت قرار میگیرد اسناد چهل سال قبل سفارت امریکا از آرشیف آن به دسترس مخالفین دولت و دار و دستة سیاست بازان قرار میگیرد و در سایت های انترنتی شان وسیعاً به نمایش گذاشته میشود. و چنان وانمود میشود که امریکا هم برای برنامه سازی های ملی و زبانی میان افغان ها سهم خود را اداء نموده و به طرفداری عده ای که خود را پاسبان زبان فارسی دری میدانند ایستاده است. **جالپتر از همه اینست که در عقب میز خطابه استاد سخن و نابغه زبان فارسی !! دری و اصف باختری کوهپایه های هندوکش را به حیث سمبول قدرت نمایی قرار میدهند و آقای رهین و رهنورد زریاب چون انگگ و بنگگ روی یک مسله توافق نظر خود را نقض میکنند تا قضاوت های شان در مورد جنجال و غوغای ساختگی (پاسبانی زبان فارسی دری) روال طبیعی و عادی خود را بگیرد.**

4 - واضح و مبرهن است که زیر کاسه نمکاسه است. این مسله را میتوان از حرکات بخشی از همین به اصطلاح نخبه گان فهمید. وقایع را خود سازمان میدهند، غوغا را خود به راه میاندازند و بهره برداری آنرا برای سازمان های مورد نظر خود و بر اساس پروتوکل های منعقد شده به انجام میرسانند. اینکه در حال حاضر وطن و مردم وطن به چه ضرورت دارند و مشکل شان عمدتاً چیست حتی حرکتی به طول یک قدم هم بر نمیدارند.